

بزهش‌های گفتاری

# خطبات قانونیه

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

به کوشش

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) - دفتر قم

خطبات قانونیه. — تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵. ۲۰۰ ص. (پژوهش‌های گفتاری)

ISBN: 978 - 964 - 335 - 829 - 7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. خطبات قانونیه (اصول). ۲. قانونگذاری (فقه). ۳. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. — نظریه درباره خطبات قانونیه. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، دفتر قم. مؤسسه چاپ و نشر عروج. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۳۲

خ ۶ / ۱۶۳ BP

م ۸۵ - ۲۹۷۵۱

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۲۱۷۸

www.ketab.ir



مؤسسه چاپ و نشر عروج

## خطبات قانونیه

طرح و نظارت: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) - دفتر قم

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س))

چاپ سوم: ۱۴۰۳ / ۵۰۰ نسخه



۱۳۸۵/۰۱۰۰



101005000100011

خطبات قانونیه

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخرورازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: • خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی(س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

• کلمه نمایندهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

## فهرست

مقدمه	۷
گفتگو با:	
آیه الله العظمی یوسف صفاری	۱۳
آیه الله محمد علی گرامی	۳۷
آیه الله محمد مؤمن	۶۵
آیه الله سید علی محقق داماد	۹۹
آیه الله سید احمد مددی	۱۱۷
حجة الاسلام و المسلمین مهدی گنجی	۱۵۷
حجة الاسلام و المسلمین محمد صادق لاریجانی	۱۸۳

## مقدمه

فقه شیعه برای پاسخ‌گویی به انبوه پرسش‌هایی که در عصر کنونی و به‌ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران پیش رو دارد، بیش از هر زمان دیگر نیازمند کاوش و بازنویسی مستند و مستحکم مبانی خود، از جمله اصول فقه است.

امام خمینی علیه السلام نه تنها در شمار فقهای برجسته تاریخ تشیع، بلکه صاحب مکتب فقهی است و از رهبران همین مکتب بود که توانست بسیاری از معضلات و مشکلات فقهی عصر جدید و نظام اسلامی را چاره‌اندیشی کند.

اصلی‌ترین محور شناخت مکتب گران‌سنگ این فقیه بزرگ، شناخت نظرات و نوآوری‌های اصولی ایشان است و یکی از نوآوری‌های مهم ایشان در اصول فقه، نظریه خطابات قانونیه است.

آنچه حضرت امام علیه السلام در این باره ارائه کرد، تمامی ویژگی‌های یک نظریه علمی را دارا است؛ نظریه علمی، قضیه‌ای کلی است که:

اولاً، بر پایه مبانی پذیرفته شده آن علم، قابل استدلال و اثبات باشد؛  
ثانیاً، دارای آثار و پیامدهای چشم‌گیر و سرنوشت‌ساز در داده‌های  
نهایی آن علم باشد؛

ثالثاً، دست‌کم برخی از آثار آن توسط صاحب نظریه بیان شده باشد؛  
 رابعاً، با توجه به آثار و پیامدهای جدیدی که سایر محققان کشف  
 می‌کنند، در پویایی و تحول آن دانش نقش آفرینی کند.  
 بی‌گمان، نظریه خطابات قانونیه امام خمینی علیه السلام همه این خصوصیات را  
 دارا است.

تحقیق پیرامون این نظریه و تدوین متنی که از عهده تبیین مدعا، تقریر و  
 تدوین ادله، نقد و بررسی اشکالات وارده، و سرانجام بیان ثمرات و نتایج  
 اصولی و فقهی آن برآید، مجالی واسع می‌طلبد.

آنچه در مقدمه این پژوهش می‌توان به آن پرداخت، ذکر دو نکته در  
 معرفی این نظریه است: نخست، تعریف نظریه و دوم، نگاهی به ادله آن که  
 در منابع ذیل به صورت مختصر آمده است:

- مناهج الوصول، ج ۲، ص ۵۱-۵۵.

- تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۴۳۷-۴۳۹.

- تنقیح الاصول، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۸.

#### ۱. تعریف نظریه

نظریه خطابات قانونیه دیدگاهی است درباره چگونگی تشریح احکام  
 در شریعت اسلام. این نظریه در پاسخ به این پرسش اصلی شکل می‌گیرد  
 که آیا خطابات شرعیه‌ای که از طریق آن‌ها احکام شرعی اثبات می‌شود،  
 اصالتاً متوجه افراد است یا جامعه؟ صاحب نظریه بر این عقیده است که  
 خطابات شرعی بالاصاله متوجه جامعه است و اگر افراد نیز خود را مخاطب  
 شارع می‌بینند، از آن رو است که افراد جامعه مخاطب شارع می‌باشند.

خطابی که بااصاله متوجه جامعه است، خطاب قانونی نامیده می‌شود. بر اساس این نظریه، اراده تشریحی شارع مقدس عبارت از اراده انجام تکلیف از سوی مکلف و برانگیختن او برای عمل به تکلیف نیست، بلکه اراده قانون‌گذاری و جعل احکام «علی نحو العموم» است.

امام خمینی علیه السلام از آنچه گفته شد، با تعبیر «جعل عمومی قانونی» یاد می‌کند. عبارت ایشان - که در آن، به یکی از ادله نظریه هم اشاره شده است - چنین است:

«إِنَّ الإرادة التشريعية ليست إرادة إتيان المكلف وانبعاثه نحو العمل، وإلا يلزم في الإرادة الإلهية عدم انفكاكها عنه وعدم إمكان العصيان، بل هي عبارة عن إرادة التقنين والجعل على نحو العموم».

همین معنا را می‌توان در تقریر یکی از مآخردان برجسته ایشان نیز به دست آورد:

«كَلِّ حَكْمٌ كَلِّيٌّ قَانُونِيٌّ فَهُوَ خَطَابٌ وَاحِدٌ مَتَعَلِّقٌ لِعَامَّةِ الْمَكْلُفِينَ، بَلَا تَعَدُّدٌ وَلَا تَكْتُرٌ فِي نَاحِيَةِ الْخَطَابِ؛ بَلِ التَّعَدُّدُ وَالكَثْرَةُ فِي نَاحِيَةِ الْمَتَعَلِّقِ».

تأکید بر «عدم تعدد در ناحیه خطاب» از آن رو است که خطاب متوجه یک نقطه است و آن، عنوان «جامعه» یا «عامّة المکلّفين» است.

البته روشن است که هر عامی ممکن است معنون به عنوانی باشد که سعه و ضیق آن عام را نشان دهد؛ مانند عموم اهل ایمان در «یا ایّها الذین آمنوا»، عموم مردم در «یا ایّها الناس» و عموم دانشمندان در «یا ایّها العلماء» که به ترتیب جامعه مؤمنان، جامعه انسانی و جامعه دانشمندان را اراده کرده است.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد این‌که در خطابات قانونیه، برانگیختن مکلفان یا انبعاث آنان به انجام تکلیف، به صورت موجب جزئیّه معتبر است نه به صورت موجب کلیه؛ لذا همین‌که در مجموعه مورد خطاب، کسانی باشند که از خطاب برانگیخته شوند، برای صحّت خطاب کافی است.

## ۲. ادله نظریه

دلایل نظریه خطابات قانونیه، با استفاده از نوشته‌ها و تقریرات درس‌های امام خمینی علیه السلام به شرح زیر است:

الف) وجدان: کسی که عده‌ای را به انجام کاری فرا می‌خواند، بالوجدان، یک خطاب برای همه آنها به کار می‌برد؛ نه این‌که هر فردی از آن مجموعه را با خطابی مستقل خطاب کند. به صورت خطاب‌های مستقل منحل شده از خطاب مجموعه (مخاطب قرار ندهد). مبنای این وجدان را می‌توان پرهیز طبع از لغویت دانست؛ زیرا وقتی برای جعل قانون و تشریح حکم برای یک مجموعه، یک خطاب کفایت کند، به کار بردن خطابات متعدد (هرچند تعدد آنها به انحلال حاصل شود) امری لغو خواهد بود.

ب) وحدت ملاک در اخبار و انشاء: همان‌گونه که در اخبار، حکم برای یک موضوع در نظر گرفته می‌شود و نمی‌توان با توجه به تعدد افراد، به تعدد اخبار نیز ملتزم شد؛ در انشاء هم همین‌گونه است. به عنوان مثال، اگر کسی بگوید «آتش سرد است» نمی‌توان گفت به تعداد افراد و مصادیق آتش، خبر داده است، بلکه تنها یک خبر از او صادر شده است. شاهد این مدعا این‌که

چنین کسی تنها یک دروغ گفته است، نه دروغ‌های متعدد، به تعداد افراد و مصادیق آتش.

بنابراین، در انشاء نیز کسی که عنوان یک مجموعه را مورد خطاب قرار می‌دهد و حکمی جعل می‌کند، یک قانون جعل کرده و بالاصاله افراد را حتی به صورت انحلالی هم مورد خطاب قرار نداده است.

ج) وحدت تشریح در احکام تکلیفی و وضعی: در احکام وضعی نمی‌توان به خطابات جزئی متوجه افراد (در مقابل خطابات قانونیه) ملتزم شد؛ زیرا حالات و شرایط افراد مکلف متفاوت است، و التزام به خطابات جزئی موجب هرج و مرج و مزاج‌داری می‌شود و چنین چیزی به ضرورت فقه باطل است؛ مثلاً نمی‌توان گفت: «حوائی که محل ابتلای مکلف نیست، نجس هم نمی‌باشد».

با توجه به این که تشریح در احکام تکلیفی و وضعی یکسان است، پس احکام تکلیفی نیز به همین منوال خواهد بود؛ یعنی احکام تکلیفی نیز بدون توجه به حالات افراد مکلف جعل شده است.

البته این دلیل اولاً، مبتنی بر جعل مستقل احکام وضعیه است و ثانیاً، در حد مؤید قابل استناد است.

د) عدم تخلف در اراده الهی: اگر قائل به خطابات قانونی نباشیم، باید بگوییم اراده الهی به انجام تکلیف توسط مکلف تعلق گرفته است؛ با توجه به این که اراده الهی تخلف‌پذیر نیست، پس باید عصیان اوامر و نواهی شارع مقدس امکان‌پذیر نباشد؛ در حالی که عصیان بالضروره وجود دارد. بنابراین، در خطابات شرعی، اراده خداوند به انجام تکلیف توسط مکلف تعلق نگرفته،



بلکه به قانون‌گذاری و جعل کلی تعلق گرفته است.

ه) شیوه عقلایی در قانون‌گذاری‌های عرفی: قوانین عرفی که در نظام‌های حقوقی مختلف جعل می‌شود به صورت کلی است و مخاطب آن کل جامعه است، نه افراد مکلف و حالات مختلف آن‌ها. شارع نیز در شیوه قانون‌گذاری و تشریح، صاحب طریقه جدیدی نیست.

البته در کلمات امام خمینی علیه السلام این مطلب، به صورتی صریح و ظاهر، به عنوان یک دلیل نیامده است؛ ولی تعبیر ایشان به گونه‌ای است که دست‌کم می‌توان استیناس به مدعا را از آن به دست آورد. تعبیر ایشان چنین است:

«... كما يظهر بالتأمل في القوانين العرفية».

\*\*\*\*\*

این مجموعه گام کوچکی است در تبیین و توضیح یکی از نوآوری‌های اصولی آن یگانه دوران؛ با این امید که دانش علمی اندیشمندان حوزه و دانشگاه، ثمرات پیدا و ناپیدای این نظریه، بیش از پیش نمایان شود. بر خود فرض می‌دانیم از کلیه اساتید، حضرات آیات و حجج اسلام که به دعوت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام - دفتر قم پاسخ گفتند و در این مصاحبه‌ها شرکت فرمودند، نهایت تشکر و قدردانی را به عمل آوریم.

وآخر دعوانا ان الحمد لله

معاونت پژوهشی مؤسسه - دفتر قم